



از چه راهی می توان به خدا رسید؟

دکتر محمدجعفری هرندی

طرح بحث:

بیان مطلب:

این بحث ناظر به بازگ کردن روش مردمی است که وجود خدا را باور دارند و برآنند که خود را به او نزدیکتر سازند. نگارنده برآن نیست تا روشی را تأیید یا رد کند؛ در واقع هدف مشترک مردمان این چینی را مدنظر دارد و آنان را در این هدف متحد و متفق القول می داند و برآن است تا نشان دهد این مردمان برای وصول به هدف مشترک، ابزار متفاوت و گاه متضاد را برگزیده اند.

جوامع مورد نظر ما، زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است و انگیزه این گزینش، ارتباط تاریخی و فرهنگی و باورهای اصولی گروندگان به ادیان یاد شده است.

سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام وابستگی خاصی به یکدیگر دارند، تا بدان جا که در حقوق اسلامی فقط مسیحیان و یهودیان اهل کتاب خوانده شده و زرتشتیان ملحق به اهل کتابند.

با وجود این نمی توان از تأثیر آموزه های زرتشت در باور مسلمانان، به خصوص در مناطقی که این دو دین

آنان که خدا و آفریدگار جهان را باور دارند، می کوشند تا او را بیابند. بعضی او را چنان نزدیک می بینند که "قوم به حج رفته" را به بازگشت فرا می خوانند تا "معشوق" را "همین جا" و در همسایگی خویش یابند و از این میان هستند کسانی که "وی" را در "جبه" خود یافته اند. گروهی چنان جایگاه انسان را دور از خدا تصویری کنند که یافتن او را، یا محال می پندارند و یا آن را منوط به تلاش های طاقت فرسا - چون ریاضت و عبادت و سرگردانی دروادی خوف و جنون - می کنند و وصول به چنین خواسته ای را بی رنج خارمغیلان و بی کشیدن بلا میسر نمی دانند. کسانی هم هستند که خدا را جدا از موجودات ندانسته و همه هستی را خدا و جز او را اعتبار تلقی می کنند:

جهان را دید امر اعتباری

چو واحد گشته در اعداد جاری

چنین دیدگاه هایی موجب گشته تا برای یافتن خدا در عمل، راه های متفاوتی به وجود آید. در این نوشتار راه هایی که انسان های باورمند برای وصول به خدا برگزیده اند، بررسی می شود.



پیروان همسایه یا مختلط داشته اند، غافل بود.

زرتشتیان:

آیین زرتشتی همانند بسیاری از آیین ها وادیان دیگر، به آغاز و انجام جهان و انسان توجه ویژه مبذول داشته و منشأ جهان را اهورمزدا میداند. به موجب روایات "بندهش" اهورمزدا در نور مطلق و نیکی و فرهی کامل غوطه ور بود. در بالا جهان روشنایی و در پایین عالم ظلمت و تاریکی قرار داشت. اهورمزدا نخست به آفرینش جهان مینوی اقدام کرد. در این جهان از ماده، گوشت و پوست، استخوان و جسم و تن اثری نبود و هر چه وجود داشت، صور روحانی همه موجودات بعدی می بود... آن گاه اهورمزدا اراده کرد تا جهان مادی را به شکل درآورد. پس با فروهرها یا صور و اشکال روحانی و مینوی آدمیان و تمام موجودات نیک، از جماد و نبات و حیوان، گفت و گو کرد که آیا میلند به قالب مادی درآمده و در جهان خاکی برای پیروزی بر ظلمت و اهریمن زندگی کنند؟ و آنان که آگاه بودند سرانجام پیروزی با آنان است، قبول کردند.

از این عبارت به خوبی برمی آید که آفرینش از سوی اهورمزدا - که نور مطلق است - آغاز و هدف و انجام آن، از میان برداشتن ظلمت و اهریمن است و بدین ترتیب تمام موجودات مادی می کوشند، یا باید بکوشند تا به این انجام و هدف دست یابند و کسی در این راه پیروز است که به دستور پیامبر برگزیده یعنی زرتشت عمل کرده و در این راه گام بردارد. اما چگونه و با چه ابزاری می توان تلاش کرد تا بدین مقصود نایل گشت؟ پاسخ این پرسش را در تعالیم زرتشت باید یافت.

دراوستا آمده: "ای آفریننده جهان جسمانی، آیا خوش ترین جای زمین کجاست؟ پس اهورمزدا گفت: ای اسپیتمان زرتشت! جایی که مرد پارسا خانه ای بسازد که دارای آتش و گاو و گوسفند وزن و فرزند و اهل بسیار باشد. پس از آن در آن خانه گاو و گوسفند بسیار و آرد بسیار و سگ بسیار و زنان و بچه های بسیار و آتش بسیار و اسباب زندگی خوب باشند.

خوش ترین زمین جایی است که کسی بیش ترین غله و علف و درختان میوه دار کارد و در زمین خشک آب پدید کند و زمین باتلاقی را خشک گرداند."

در آیین زرتشت برای وصول به روشنایی و رستگاری یا رجوع به جهان نور که مبدأ آفرینش است، مردم باید کوشش کنند و قوای جسمانی خود را تقویت نمایند تا براهر یمن پیروز گردند این که در کویر مرکزی ایران شاهد کاریزهای پر آب و کم آب هستیم، عمدتاً ناشی از همین طرز تفکر ملهم از آیین زرتشت است که حتی بعد از گرویدن ایرانیان به اسلام هم در باور و فرهنگ عامه باقی مانده است. کندن چنین قنات هایی را، به خصوص در مکان هایی که آب کمی از آن ها به دست می آید، نمی توان برخاسته از سرمایه گذاری برای کسب درآمد به حساب آورد، بلکه انگیزه آن را باید در باور به رستگاری ناشی از کار و کوشش جست و جو نمود.

پرستاری از آب و آتش که مایه حیات و زندگی و نشاط است، در آیین زرتشت عبادت است و با چنین پرستاری و گرمائی داشت، شخص به رستگاری نایل می شود. درآموزه های زرتشتی تنبلی نکوهش شده، چون موجب دوری از کار نیک می شود.

از این تعالیم می توان نتیجه گرفت که راه وصول به خدا و جاودانگی و جهان معنوی، تلاش و کوشش و تقویت زندگی مادی است نه ریاضت و رهبانیت. و به همین جهت روزه در آیین زرتشت ممنوع و حرام است.

خرابه ها در افسانه های ایرانی محل دیوان (اجنه) است و روشنایی و آب علامت زندگی و باعث گریزدیو می گردد. اگر جنس فرشته را از نور و دیو را نماینده ظلمت بدانیم، برای این عقیده خواهیم شد که "دیوچو بیرون رود فرشته درآید".

آن چه در برنامه عبادی زرتشتیان اهمیت دارد، تلاش است و کار و آبادی، و همین، انسان را به رستگاری نایل می سازد. ویژگی این تفکر وقتی متبلور می گردد که آن را با طرز تفکر هندوان در مبارزه با جسم و تضعیف آن برای تقویت روح، مقایسه کنیم.



یهودیان:

در میان پیروان سه دین که پیامبران ابراهیمی دارند، هیچ کدام مانند یهودیان طالب دنیا و حکومت و جنگ نبوده اند. گرچه خود حضرت موسی^ع پیامبری صلح درگیر و صبور بود، ولی عمرش کفاف نداد تا این صلح طلبی را نهادینه سازد و پیروانش پس از او با باور برتری، بر دیگران تاخته و به خصوص فلسطینیان را سخت آزار داده و خانه و کاشانه آنان تسخیر و به اتکاء آموزه های تورات که می گوید: "چون یهوه خدایت آن را به دست تو بسپارد، جمیع مردانشان را با شمشیر بکش؛ اما کودکان و زنان و حیوانات و هر آن چه در شهر باشد، غنیمت است و برای خودت به یغما ببر." مردان را از دم شمشیر گذراندند و اموال و زنان را به غنیمت گرفتند.

گرچه در آموزه های یهود، چنان که در قرآن مجید آمده، مقام پیامبری از پادشاهی جدا است، و این مطلب از گفتار و صحف انبیاء بنی اسرائیل هم مستفاد می شود، چنانکه در آیه ۲۴۷ سوره البقره آمده: "پیغمبر آنان گفت: همانا خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی روا است در صورتی که ما به پادشاهی شایسته تراز او بییم او را مال فراوان نیست. رسول در جواب آنان گفت که او از این رو به شاهی شایسته تر خواهد بود که خدایش برگزید و در دانش و توانایی او را فرونی بخشید و خدا ملک خود را به هر که خواهد، بخشد که او به حقیقت توانگر و داناست." ولی این قوم برای دوام دولت و تسلط بیشتر بر جامعه، این دو مقوله را به هم آمیخته تا جایی که بعضی از انبیاء آنان چون داود و سلیمان پادشاهی را دارا می شوند. در پاره ای از آموزه های یهودیت به جهان دیگر و به مسأله حساب و کتاب اشاراتی یافت می شود ولی این که سعادت یا شقاوتی در جهان دیگر جز دنیا در انتظار نیکان و بدان باشد، باور غالب نبوده و چنان که مضامین صحف انبیاء و تاریخ این قوم نشان می دهد، دنیا طلبی هدف عمده آنان است و آن را

وعده خدا می دانند.

"یهودیان، دنیای دیگر را جدا از این دنیا ندانسته، بلکه آن را در آینده تصویری کنند و عقیده دارند که در آن هنگام مردم با تقوا به سعادت ابدی خواهند پیوست و گناهکاران به عذاب ابدی دچار خواهند شد و همین عقیده، روح انتقام جویانه داشت و برای عارف و عامی قابل فهم بود."

ناگفته نگذاریم که در تعالیم اساسی حضرت موسی^ع که ده فرمان اصول آن را منعکس می سازد، تأکید بر رفتار شایسته با همه مردم شده و چنان نیست که این ده دستور ناظر به فرزندان اسرائیل و گروندگان به دین یهود باشد. اما ظاهراً

راهبان که سرآمد
گروندگان به عیسی
هستند، هدف خود را دوری
از دنیا و وصول به خدا
و ملکوت قرار داده اند.

از تعالیم زرتشت می توان نتیجه گرفت
که راه وصول به خدا و جاودانگی و جهان
معنوی، تلاش و کوشش و تقویت زندگی
مادی است نه ریاضت و رهبانیت.

عمل نمی کردند؛ به همین جهت وی با زبان تند آنان را
سرزنش می کرد:

"کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته اند. پس آن چه
به شما گویند، نگاه دارید و به جا آورید. لیکن مثل اعمال
ایشان مکنید... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریا کار که
در ملکوت آسمان را به روی مردم می بندید... زیرا خانه بیوه
زنان را می بلعید و از روی ریا نماز را طویل می کنید..."

این آیین، توجه به ملکوت آسمانی را وجه نظر خود قرارداد
و با این که پیامبرش خود را مروج تورات می دانست، پیروان
وی با استفاده از تواضع و فروتنی عیسی، فقر و رهبانیت و
دوری از دنیا را برگزیدند. در پی همین باور بوده که در قرون
وسطی راهبان و دیرنشینان فراوان شده و همه بر آن شدند تا
شهر خدا را بر روی زمین بنا کنند.

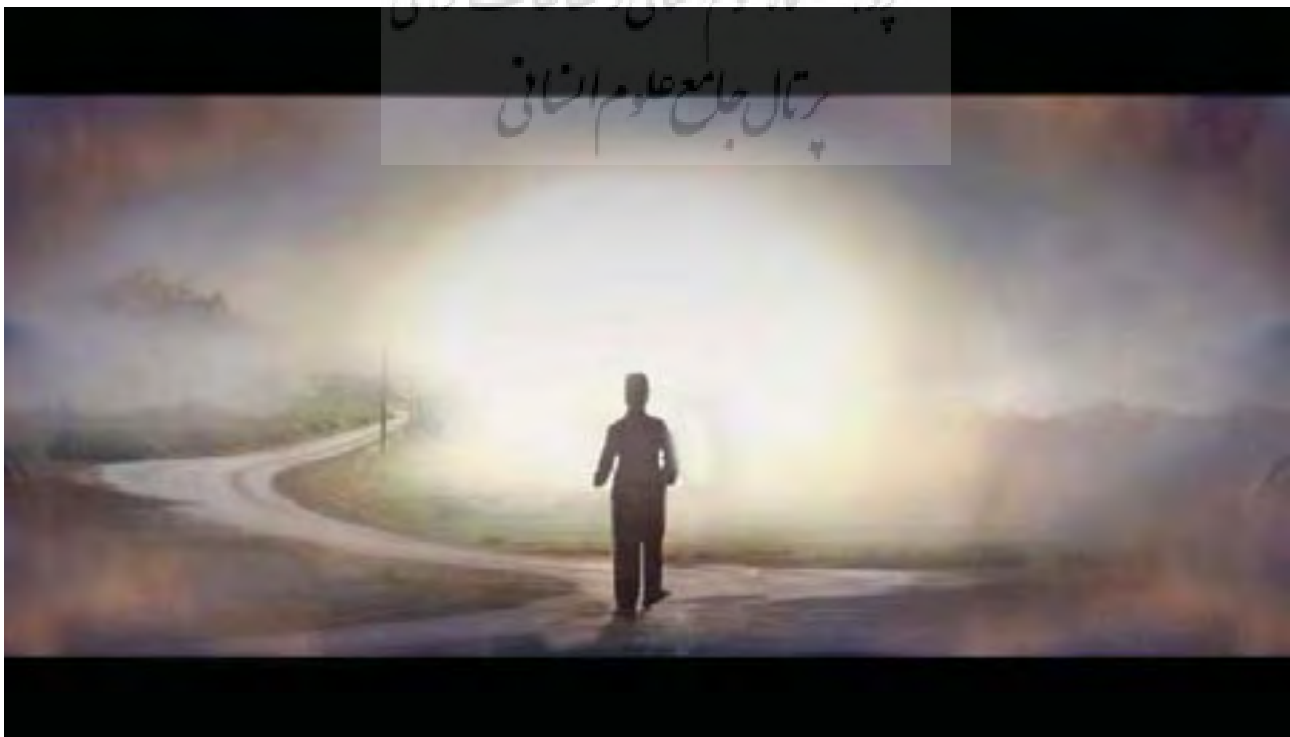
مؤمنان بر این آیین و مروجان آن، عمدتاً پس از حواریون
عیسی، کشیشان و رهبانان بودند. این دو گروه جایگاه
طبقاتی متفاوت داشتند، ولی نکته قابل توجه این است که
راهبان در حوزه عمل از همه گروندگان بیشتر و بهتر و جدی
تر به احکام این دین عمل کرده و همین رفتار می تواند به

رویه گروندگان به هردینی چنین است که تعالیم و مزایای
آن را به نفع خود تفسیر کنند.

با چنین دیدگاهی که یهودیان دارند، باید گفت که از نظر
آنان راه وصول به سعادت و رضایت خدا، یا یهوه، دنیا طلبی
است تا سرانجام در همین دنیا سعادت را، آن هم فقط برای
خود بیابند و این باور را ناشی از وعده خدا می دانند.

مسیحیان:

آیین مسیحیت در بستر باور به فرامین تورات به وجود آمده
و حضرت عیسی^ع می گفت: من نیامده ام تا نقطه ای از
تورات بکاهم، بلکه بر آنم تا احکام تورات را عملی سازم.
ظاهراً در شرایطی که حضرت مسیح^ع مبعوث می شود،
بیشتر یهودیان تعالیم اصلی تورات را فراموش کرده و بدان





متعلق به این جهان نیست و از جهان دیگر (بهشت) آمده، آن هم با وسوسه ابلیس و از طریق زن. بنابراین باید سعی کند به همان جایگاه اولیه اش بازگردد و در همین راستا است که درنگاه دین مسیحیت، زن چون دستیار ابلیس در راندن آدم از بهشت و سبب سقوط او در این دنیا بوده، همانند خود ابلیس ملعون است. از این نوع نگاه می توان چنین نتیجه گرفت که دنیا باید خراب گردد یا حداقل به بوته فراموشی سپرده شود تا آخرت آباد گردد و هرچه زودتر بشر از این ظلمتکده رهایی یافته و به ملکوت اعلی بییوندد. این نظریه باعث شد اهل کلیسا از زمان سقوط امپراطوری غربی، با خونسردی و بی‌اعتنایی به فاجعه های دنیوی بنگرند و استعدادشگرف خود را در راه انضباط کلیسا و مباحثات کلامی و توسعه رهبانیت به کار اندازند.

زندگی عیسویان در قرون وسطی که زمانی نسبتاً طولانی بوده، ترسیم کننده این طرز تفکر است و در نقطه مقابل برخورد فلاسفه و متفکران پس از رنسانس با اصل دین، این اندیشه را القاء می کند که گریز از دنیا و ناپسامانی وضع جامعه موجب گشته تا افکار به ضدیت با اصل دین سوق داده شوند و بالاخره جدایی دین از سیاست و اداره جامعه، مورد پذیرش جامعه مسیحیت قرار گیرد.

اسلام:

اگر گفته شود اسلام، چنان که خود می گوید، یک آیین و روش مبارزه است، سخنی ناشی از تعصب دینی نخواهد

ظاهراً در شرایطی که حضرت مسیح^(ع) مبعوث میشود بیشتر یهودیان تعالیم اصلی تورات را فراموش کرده و بدان عمل نمی کردند.

خوبی نگاه مسیحیت به تعالیم دینی و نتایجی را که از آن انتظار دارند، روشن نماید.

راهبان که سرآمد گروندگان به عیسی هستند، هدف خود را دوری از دنیا و وصول به خدا و ملکوت قرار داده اند. در همین راستا است که ترک دنیا کرده و ازهرآن چه موجب آسایش تن است، پرهیزی کنند و خویشتن را دچار مشقت ورنج می سازند.

"در آغاز کار، رهبانیت جنبشی خودسرانه بود که یکسره بیرون از سازمان کلیسا بود... آتاناسیوس بود که رهبانیت را با روحانیت آشتی داد... در روزگار قدیم، پیش از آن که راهبان در سازمان های روحانی قرار گیرند، صومعه ها منشأ بی نظمی بودند... راهبان با هو و جنجال از اسقف هایی که می خواستند، پشتیبانی می نمودند... راهبان از پاکیزگی بیزار بودند. شپش را "مرورید خدا" می نامیدند و نشانه تقدس می پنداشتند. قدّيسان، از زن و مرد، می بالیدند بدین که جزبه هنگام گذشتن از روخانه آب به پایشان نرسیده است... هرگز چیزی جزبه تجویز شرع نمی خواندند و فضیلت را از راه کاملاً منفی یعنی با پرهیز از گناه، خصوصاً گناهان تن تحصیل می کردند." بعدها رهبانیت و دردل آن، فرقه های رهبانی دارای نظم و نسق شدند و روش و رسمیت یافتن آن تحت نظامی قرار گرفت و راهبان به علم، تمدن، عمران و آبادی خدمات فراوانی کردند اما همواره از زندگی و رفاه گریزان بوده و سعادت را در جهان دیگر می جستند.

قابل توجه است که لبّ و عصاره تعالیم مسیحیت از دیدگاه راهبان و کشیشان و تمام مؤمنان مسیحی این است که بشر

راه رسیدن به خدا در دین اسلام، اصلاح امور خود و مردم است و چون کسی کار خود و کار جامعه را اصلاح کند و یا حتی در فکر و اندیشه اصلاح آن باشد عامل به احکام اسلامی تلقی می شود و به خدا راه یافته است.

به عرف و خرد جمعی است و گرچه ضمانت اجرای صحیح آن‌ها، پاداش اخروی قرارداده شده، ولی هدف و نتیجه آنها مربوط به این دنیا است. حتی پاره ای از عبادات اسلامی هم اعمالی بوده که پیش از اسلام انجام می شده و اسلام آن‌ها را یک جا یا با کمی تغییرات تأیید کرده و این می رساند که این دین به "عرف" که واژه "معروف" هم از آن گرفته شده، اهمیت می دهد. بنابراین می توان گفت راه رسیدن به خدا در دین اسلام، اصلاح امور خود و مردم است و چون کسی کار خود را و کار جامعه را اصلاح کند و یا حتی در فکر و اندیشه اصلاح آن باشد، عامل به احکام اسلامی تلقی می شود و به خدا راه یافته است.

بود.
"در قرون وسطی مسلمانان از مسیحیان متمدن تر و انسان تر بودند... جنگ های صلیبی با غارت یهودیان و کشتار آنان همراه بود... در کشورهای مسلمان، برعکس، در غالب اوقات با یهودیان به هیچ روی بد رفتاری نمی شد".
دین اسلام در تعالیم خود به تبعیت از "معروف" اهمیت فراوان داده، چنان که پرهیز از "منکر" را هم مهم شمرده است. تشخیص معروف و منکر عمدتاً به عقل و خرد بشر و انبیا شده و درست است که اعمال و رفتاری در دین به عنوان عبادات و یا معاملات مقرر گشته و مردم موظف شده اند این اعمال را به جا آورند یا کارهای خود را در قالب این دستورها نظم دهند، اما اغلب این احکام (صرف نظراً از عبادات) متکی



قابل توجه است که لب و عصاره تعالیم مسیحیت از دیدگاه راهبان و کشیشان و تمام مومنان مسیحی این است که بشر متعلق به این جهان نیست و از جهان دیگر (بهشت) آمده آن هم با وسوسه ابلیس و از طریق زن.

منابع:

- ۱- قرآن مجید
- ۲- کتاب مقدس
- ۳- هاشم رضی / ادیان بزرگ / سازمان انتشارات فروهر / تهران ۱۳۶۷
- ۴- تورات، سفر تثنیه، باب ۲۰
- ۵- برتراند راسل / تاریخ فلسفه غرب / ترجمه نجف دریابندری / نشر پرواز / تهران، ۱۳۶۵
- ۶- ویل دورانت / عصر ایمان